

بسمه تعالی

ماهیت و ویژگی های تمدن اسلامی از دیدگاه استاد مطهری

فاطمه ترقی گلوجه^۱

چکیده

در این مقاله به بررسی ماهیت و ویژگی های تمدن اسلامی از دیدگاه استاد مطهری پرداخته شده است. در ابتدا مفهوم تمدن و مقومات و مقدمات تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری بیان شده و در انتها ویژگی های تمدن اسلامی از دیدگاه شهید بزرگوار بیان گردیده است. از جمله شروط لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بازگشت افراد از خودبینی و بازگشت به خود می باشد. به علاوه، آموزه های اسلامی و به ویژه تشیع، در ذیل هدایت های اهل بیت علیهم السلام با استدلال های قطعی مبتنی بر حکمت و عدالت الهی، ایجاد برترین و آخرین تمدن بشری را در پایان مسیر تاریخ و با حضور انسان کامل نوید می دهند. این تحقیق از نوع روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته و از لحاظ هدف کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی (کتابخانه ای) و اینترنت استفاده شده است.

کلیدواژه: تمدن، تمدن اسلامی، شهید مطهری، اهل بیت علیهم السلام

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه خاوران

مقدمه

درباره رابطه دین و تمدن سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه روشنفکری، که دین را عامل ارتجاعی و مانع مدنیت و پیشرفت معرفی می کند؛ دیدگاه پساسکولار که با نگاهی ابزاری دین را به صورت مشروط و به عنوان بخشی از سنت های هر جامعه، دارای اثری مفید برای جامعه مدرن می داند؛ و دیدگاه سوم، نگاه اسلام سیاسی است که دین را حیات بخش، تسهیل کننده و عامل ترقی، توسعه و تمدن می داند و وضعیت انحطاط و زوال جوامع اسلامی را ناشی از زاویه گرفتن مسلمین از آموزه های اسلام و بی تحرکی و خودباختگی امت اسلامی در برابر غرب می داند. آیت الله مطهری به عنوان یکی از فلاسفه معاصر و از رهبران انقلاب اسلامی با نظریه آخر موافق است. از نظر وی زیرساخت های تحول به سمت تمدن نوین اسلامی با تأسیس و توسعه نظام مردم سالاری دینی، بازسازی فکر دینی براساس مقتضیات زمان و استحالة غرب در هاضمة معرفتی و انسانی اسلام فراهم می آید و جامعه انسانی را به سمت تمدن جدید اسلامی سوق می دهد.^۱

شاخصه هایی از جمله فعال بودن در عرصه جهاد و صلح، حفظ استقلال سیاسی مسلمانان براساس قاعده نفی سبیل، جلوگیری از خودباختگی مسلمانان و برپایی قسط و عدل در جامعه از جمله تفکرات عمده استاد شهید می باشد. براین اساس حرکت به سوی تمدن اسلامی، باعث حل مشکلات مادی و معنوی مسلمان شده و می تواند مسلمانان را به اتحاد و اقتدار شایسته برساند.^۲ تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد و مؤلفه های آن بر محور اسلام می گردد.

بدین ترتیب تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چهارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار است و مؤلفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است.^۳ تمدن نوین اسلامی برپایه عوامل عقیدتی وایدیولوژیکی شکل می گیرد و ارزش گذاری می شود. تمدن نوین اسلامی با دید توحیدی به پدیده ها می نگرد و علاوه بر اینکه به ساختار مادی یک جامعه اهمیت می دهد در عین حال، همواره مسلمانان را به سوی کمال معنوی تشویق می کند.^۴

^۱ محمدپناهی، زیرساخت های تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله مطهری، ص ۳۷

^۲ ترکاشوند، جاهدی، شاخصه های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه شهیدمطهری، ص ۱۳۳

^۳ جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۵۱-۵۲

^۴ ترکاشوند، جاهدی، شاخصه های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه شهیدمطهری، ص ۱۳۷

در این رابطه هیچ کتاب و مقاله ای در دست نیست و مقالاتی که موجود می باشد از جهاتی با موضوع مذکور تفاوت دارد. هدف از مطرح کردن این موضوع آشنایی با ماهیت و ویژگی های تمدن اسلامی از دیدگاه استاد مطهری می باشد که با معرفی مولفه های مورد تاکید دین اسلام در سخنان امامان شیعه علیهم السلام بیان شده و در آثار استاد بزرگوار آمده است.

۱. مفهوم تمدن

به اعتقاد ابن خلدون حضارت و بداوت همدیگر را کامل می کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می آید.^۱ ویل دورانت می نویسد: «تمدن به شکل کلی آن عبارت است از نظامی اجتماعی که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند.» وی برای تمدن ها چهار رکن و عنصر اساسی را برمی شمارد:

۱. پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛

۲. سازمان سیاسی؛

۳. سنن اخلاقی؛

۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر؛

به نظر ویل دورانت « ظهور تمدن هنگامی امکان پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ زیرا تنها هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می افتد و انسان خود را تسلیم غریزه های می کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبودی زندگی سوق می دهد.»^۲ در تعریف واژه تمدن نکاتی مانند شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن و نیز همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره آمده است.^۳ اگرچه تمدن، به معنای شهرنشینی در مقابل چادرنشینی و بیابان گردی به کار رفته است، اما باید گفت تمدن صرفاً به معنی شهرنشینی نیست، اگرچه انسان متمدن از مرحله زندگی بدوی عبور کرده و وارد مرحله شهرنشینی شده است. می توان گفت وقتی فرهنگ عمومی به حد معینی برسد، فکر زراعت تولید می شود و تنها

^۱ سپهری، تمدن اسلامی در عصر امویان، ص ۳۲

^۲ وحیدی منش، عناصر تمدن ساز دین اسلام، ص ۱۵-۳۴

^۳ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ۱۱۳۹

تمدن است که انسان را به فکر ایجاد مدینه و شهر می‌اندازد.^۱ استاد شهید مطهری (ره) در تعریف تمدن چند نکته را برجسته‌تر می‌دانند. از جمله زندگی گروهی و حیات اجتماعی است، چون اجتماعی بودن لازمه حیات انسان است. یادگیری دانش، علوم و فنون و رفع نیازهای مادی و معنوی وی فقط در محیط اجتماع میسر خواهد بود. نوع انسان بدون زندگی در میان هم‌نوعان خود، نه تنها به رشد و توانمندی‌های شایسته مقام انسانیت نمی‌رسد، بلکه از حداقل‌های اولیه مانند سخن گفتن نیز باز می‌ماند.^۲ از دیدگاه شهید مطهری (ره) ریشه و زار تمدن یکی است و عبارت است از فطرت الهی انسان. این سخن بدان معناست که قاطبه بشر در صورت فراهم بودن شرایط اولیه می‌توانند در مسیر تمدن‌سازی و بهره‌برداری بهتر از خلقت الهی حرکت کنند.^۳

۱-۱. مقدمات و مقومات تمدن اسلامی

باید گفت ایده‌های تمدنی مادامی که به مراحل اجرایی و سازندگی‌های تمدنی منتهی نشوند، اثرگذاری‌های مورد انتظار را در زندگی بشر نخواهند داشت. عواملی نظیر نیروی انسانی، نقش تکلم و حروف الفبا، قدرت خلاقیت، زندگی اجتماعی، توانایی ادراک کلیات و استنتاج قوانین، ایده و ایمان، جنبه‌های انسانی اخلاقی و روح تمدن، جایگاه پیامبران و نوابغ را می‌توان به عنوان مقومات و مقدمات تمدن‌سازی از منظر شهید مطهری (ره) در نظر گرفت.^۴

در منظومه فکری شهید مطهری (ره) تمدن اسلامی دارای مولفه‌های زیر می‌باشد.

الف) تمدن اسلامی از ثمرات اسلام است، نه مترادف آن.

ب) تمدن اسلامی برآیندی از جامعه مسلمانان است، نه تک‌گروه‌هایی از آنان.

ج) تمدن اسلامی ماهیتی مشکک و با مراتب مختلف دارد و بنابراین نیازی به نگاه مطلق‌گرایانه به آن نیست.

تمدن اسلام اولیه به عنوان یک حقیقت تاریخی وجود داشته و تمامی منابع تاریخی اسلامی و غربی به رشد و شکوفایی آن اذعان داشته‌اند. به نحوی که یکی از چیزهایی که باعث حیرت جهانیان شده سرعت رشد جامعه مسلمانان در ابتدای پیدایش و به استقلال رسیدن آن‌هاست.

^۱ سعیدیان، دایره‌المعارف بزرگ نو، ج ۲، ۱۸۶۴۹

^۲ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۶۶

^۳ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۵۱۴

^۴ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۶۹

تاریخ نشان می‌دهد که مسلمانان در طول چند قرن پس از گرایش به اسلام، دارای نظامات و حدود و ثغوری بودند که در تعاریف متداول از آن به عنوان تمدن یاد می‌شود.^۱

شهید مطهری (ره) تکیه بر این ویژگی را از آن اسلام می‌دانند، نه قومیت‌ها و گروه‌های منتسب به اسلام. در نگاه ایشان، هر وقت و هر جا مردمی واقعاً اسلام را بپذیرند و به دستورات اسلام عمل کنند، همین خاصیت رشد و تزاید و تکامل و استقلال و روی پای خود ایستادن و دیگران را به حیرت و تعجب واداشتن را خواهند داشت؛ چرا که این خاصیت متعلق به اسلام و ایمان به اسلام است، نه مردم.^۲ سخن اصلی و مهم اینجاست که ما در زمان و مکانی بسیار حساس و اثرگذار قرار داریم و پیمودن صحیح مسیر بین دو تمدن الهی اسلامی، می‌تواند سهم تاریخی ما در یک جامعه‌ی متکامل باشد. در این مسیر، توجه به محورهای نظیر گرایش به حق و عدالت، نیروی محرکه تمدنی، تربیت انسان، پرورش عقلانی با محوریت بصیرت، تزکیه نفس و رشد و پرورش اراده، پرورش روح عبودیت و حس نیایش در آثار شهید مطهری (ره) به وضوح خود را نشان می‌دهد. نتیجه مهم مطلب این است که تمدن اسلامی به هیچ عنوان نباید تمدنی غفلت‌ساز باشد. در جامعه اسلامی روح عبودیت در ابعاد و ارکان جامعه جریان دارد و انسان‌ها در کنار آنچه با تلاش و تفکر کسب می‌کنند، همواره یاد خدا هستند و این یاد الهی از مشخصات بارز این جامعه است.^۳

۱-۲. عناصر تمدن‌ساز اسلام

۱-۲-۱. عقل‌گرایی

اسلام عقل را در بالاترین جایگاه ممکن نشانده. اسلام برخلاف اندیشه رایج در غرب، هرگونه افراط و تفریط را نفی کرده و راهی را پیش‌روی بشریت قرار داده است که بر اساس آن، در عین حال که عقل و تجربه به عنوان ابزارهای شناخت به رسمیت شناخته شده است، اما هشدار داده که باید توقع از آنها متناسب با توانشان باشد. اسلام اجازه نمی‌دهد عقل ابزاری و تجربه جای عقل عملی، عقل نظری و وحی را بگیرد. توجه کامل، جامع و به دور از افراط و تفریط به عقل،

^۱ صحرائی، دوباره در اوج، ص ۱۰۷

^۲ مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۳۴۰

^۳ مطهری، مجموعه آثار، ج ۳۲، ص ۶۳۷

زمانی که کتب اسلامی تدوین شده است، در ردیف سایر دستورهای اسلامی از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد و امر به معروف، بابی هم تحت عنوان باب «وجوب طلب العلم» باز شده و علم به عنوان یکی از فرائض شناخته شده است. در اولین آیات وحی امر به خواندن، قلم و بیان شده است و آیات دیگری هم در فضیلت علم و مقام عالم آمده است. از طرف دیگر آیاتی جهل را به لحن شدیدی مذمت کرده است. گذشته از آیات قرآن کریم، مؤکدترین و صریح ترین توصیه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره ی علم است. از آن جمله این عبارت: «طلبُ العلمِ فريضةٌ على كلِّ مسلمٍ»^۱

از نظر استاد شهید مطهری (ره) علم به ما روشنایی و توانایی می بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی؛ علم ابزار می سازد و ایمان مقصد؛ علم سرعت می دهد و ایمان جهت؛ علم توانستن است و ایمان خوب خواستن؛ علم می نمایاند که چه هست و ایمان الهام می بخشد که چه باید کرد؛ علم، انقلاب بیرون است و ایمان انقلاب درون؛ علم جهان را جهان آدمی می کند و ایمان روان را روان آدمیت می سازد؛ علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می برد؛ علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز. هم علم به انسان نیرو می دهد، هم ایمان؛ اما علم نیروی منفصل می دهد و ایمان نیروی متصل. علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی است؛ علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح؛ علم زیبایی اندیشه است و ایمان زیبایی احساس. هم علم به انسان امنیت می بخشد و هم ایمان؛ علم امنیت برونی می دهد و ایمان امنیت درونی. علم در مقابل هجوم بیماری ها، سیل ها، زلزله ها، طوفان ها ایمنی می دهد و ایمان در مقابل اضطراب ها، تنهایی ها، احساس بی پناهی ها، پوچ انگاری ها. علم جهان را با انسان سازگار می کند و ایمان انسان را با خودش.^۲

فرهنگ اسلامی دارای یک روح خاص می باشد و از اصالت و شخصیت مستقل و از حیات ویژه ای برخوردار است. وی عامل این حیات را توصیه های مؤکد قرآن کریم و روایات درباره علم و فراگیری آن دانسته است. به تعبیر ایشان، یکی از دلایلی که تمدن و فرهنگ اسلامی به سرعت بالید و رشد کرد، همین توصیه ها و نیز این که در راه یادگیری علم و فن تعصب نمی ورزیدند، و علم و دانش را در هر کجا و نزد هر کسی بود فرا می گرفتند، می باشد. ایشان به

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷

^۲ مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۱، ص ۲۳

نمونه‌هایی از توصیه‌ها، چه در قرآن کریم و چه در روایات، و این که به فراگیری علم تشویق کرده و جهل و نادانی را مذمت کرده‌اند پرداخته است. مؤلف نیز به این نکته اشاره دارد که علم دو جنبه دارد؛ یکی این که قدرت و توانایی است و بهترین وسیله و ابزار زندگی است، دیگر این که علم، بالذات از آن جهت که نور می‌باشد شریف و مقدس است و شرافت ذاتی دارد. اینکه ملائکه الهی بعد از آن که مقام علمی آدم روشن شده، مأمور شدند که آدم را سجده کنند. ملائکه به علم از نظر وسیله و ابزار نگاه نمی‌کنند و این بهترین دلیل قداست ذاتی علم از نظر دین است و در پایان به علل متروک ماندن دستورات اسلام در زمینه ضرورت فراگیری علم اشاره می‌شود که از آن جمله می‌توان به تلقی نشدن علم به صورت یک فریضه اشاره کرد که علت اصلی عملی نشدن فریضه علم، نیز طرز تفسیر فقهی مسأله است. و در اتمام این بحث می‌توان گفت که اسلام خود دارای فرهنگ غنی و سازنده تمدن‌های بزرگ بشری است که همه آنها در سایه توجه به علم و دانش، پی بردن به ارزش آن، سخت کوشی و تلاش در کسب آن و عمل به دستورات اسلام و پیشوایان دینی محقق شده است.^۱

^۱ حسین نژاد محمدآبادی، رابطه علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری قدس سره،

نتیجه گیری

استاد شهید مطهری به عنوان یکی از اندیشمندان و حکمای شیعی در حوزه اندیشه اصلاح گری و احیای اسلام و تمدن سازی اسلامی نقش قابل توجهی در ایران معاصر داشته است. استاد یک اندیشمند و مصلح نواندیش دینی بود و در میان آثار وی می توان اندیشه تمدن سازی در هر چهار حوزه نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به تبیین کشید. شهید مطهری (ره) با نظریه بازگشت به خویش و ستیزه با بیگانه پرستی که از استاد خود سید جمال الدین اسد آبادی آموخته بود به مبارزه با تمدن غربی که تنها در شکل علم خود را نشان داده بود برخاست و عنوان نمود که تنها مظهر تمدن بشری فقط علم نمی تواند باشد بلکه تمدن باید تمام جنبه های زندگی انسان را در برگیرد. دین اسلام با مولفه های اخلاقی که در شکل امر به معروف و نهی از منکر خود را نشان می دهد و با قوانین ثابت و متغیری که دارد و با توجه به علم آموزی می تواند حیطه گسترده تری از زندگی انسان را شامل شود و انسان امروزی را به سمت سعادت و خوشبختی رهنمون گردد. با توجه به اینکه دین اسلام یک دین جهانشمول و کلی می باشد و در تمام حوزه های زندگی انسان حضور دارد بدیهی است که باید دارای قوانینی باشد که جوابگوی نیاز های انسان در تمام اعصار و دوران ها باشد و ما در این مقاله به شکل استقرایی فقط به سه ماهیت تمدن اسلامی مورد نظر شهید مطهری (ره) اشاره کردیم و به سایر جوانب پرداخته ایم که بررسی همه آنها فرصت و مجال بیشتری را می طلبد.

فهرست منابع و مآخذ

✽قرآن

✽نهج البلاغه

الف) کتب فارسی

۱. جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۶
۲. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹
۳. سعیدیان، عبدالحسین، دایره المعارف بزرگ نو، جلد ۲، تهران، انتشارات علم و زندگی و آرام، دوره ده جلدی، ۱۳۸۴
۴. صحرایی، محمدطیب، دوباره در اوج، اصفهان، انتشارات آرما، ۱۳۹۲
۵. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی تهران، کتابفروشی اسلامی، بی تا
۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ۱، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۷. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸
۸. _____، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲
۹. _____، جامعه و تاریخ، جلد ۲، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰
۱۰. _____، مجموعه آثار، جلد ۲-۳۲-۲۵-۱۴، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰
۱۱. _____، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، پورتال جامع استاد شهید مطهری، جلد ۱، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰
۱۲. _____، یادداشتها، جلد ۴، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹
۱۳. معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۱، تهران، انتشارات نو، ۱۳۷۰

ب) مقالات

۱۴. ترکاشوند، احسان، جاهدی، مصطفی، "شاخصه های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه شهید مطهری"، دوره ۱۳، شماره ۴۶، خرداد ۱۴۰۲
۱۵. حسین نژاد محمدآبادی، حمید، "رابطه علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری قدس سره"، بازتاب اندیشه، شماره ۸۳، ۱۳۸۵

۱۶. رامین، فرح، آقایی، معصومه، "بازسازی تمدن اسلامی در نقد معیار علم دینی از دیدگاه مطهری و جوادی آملی"، فرح رامین، معصومه آقایی، نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۹
۱۷. محمدپناهی، سیدمحمدرضا، "زیرساخت های تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله مطهری"، دوره ۳، شماره ۷، اسفند ۱۳۹۹
۱۸. نورمحمدی، محمدرضا، "ارزش شناسی تصرف در طبیعت در جهت تاسیس تمدن نوین اسلامی از دیدگاه استاد مطهری"، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، شماره ۳، ۱۴۰۲
۱۹. هدایتی، ابوالفضل، "جهان اسلام از نگاه شهید مطهری"، طلوع، شماره ۲، ۱۳۸۱
۲۰. وحیدی منش، حمزه علی، "عناصر تمدن ساز دین اسلام"، معرفت، شماره ۱۲۳، ۱۳۸۶

ج. منابع اینترنتی

۲۱. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۲۶۹۱/۴۶۰۸/۳۳۶۰۶>
۲۲. <https://hekmateislami.com/?p=۱۰۴۹۴>
۲۳. <https://www.mehrnews.com/news/۴۶۰۷۰۸۷>
۲۴. <https://www.cgie.org.ir/fa/news/۱۳۰۳>
۲۵. <https://www.mehrnews.com/news/۱۷۴۰۲۳۱>